

قول چلوکباب

حسین عبده تبریزی

در اخبار بسیار شنیده‌ایم که نماینده‌ای یا نامزد عضویت در شورای شهری برای انتخابات سورات راه انداخته باشد تا رای بخرد و البته همه مردم این کار را تقبیح می‌کنند. مثلاً در ۱۱ آذر ۱۳۸۶ رسانه‌ها خبر از آن دادند که یکی از کاندیداهای مجلس با چلوکبابی شهر خود وارد مذاکره شده و برای شش هزار غذا سفارش گذاشته است. یکی از رسانه‌ها این خبر را با عنوان "چلوکباب ۲۴ اسفندی" نشر داد. در انتخابات ۱۳۹۴ نیز انبوهی خبر و کاریکاتور با عنوان "رای‌گیری چلوکبابی" داریم. یکشنبه ۲ اسفند ۱۳۹۴ در سرویس خبر یکی از شهرستان‌ها به قول جانبازی می‌خوانیم که نوشته‌اند: "مردم خوب ... ارزش ما بالاتر از این است که خودمان را به یک دست چلوکباب بفروشیم. بیاییم با خوردن یک دست چلوکباب خودمان را مدیون کسی نکنیم. بدانیم شام خوردن و رای ندادن به میزبان، حق‌الناس نیست بلکه بدون شناخت و باری به هر جهت رای دادن، حق‌الناس است." همه مردم و مسئولان رفتار این گونه را تقبیح کرده‌اند. در انتخابات پیش رو در همین اواخر (فروردین ۱۳۹۶)، آیت‌الله نعیم-آبادی امام جمعه بندرعباس در نماز جمعه از نمازگزاران می‌خواهد که کباب کسانی را که پول‌های فراوانی خرج می‌کنند را بخورند اما با رای ندادن، کبابشان کنند. وی از

هواداران کاندیدها خواست تا قانون را در نظر بگیرند و خلاف قانون عمل نکنند، چرا که کار خلاف در عرصه انتخابات شرعا حرام است. در یک مسیر تاریخی می‌بینیم حتی مخالفان مشروطه نیز عنوان می‌کردند که مشروطه از دیگ پلوی سفارت انگلیس درآمد، یعنی فارغ از اشتباهی که می‌کردند، از این جمله به مثابه دشنام علیه مشروطه‌خواهان استفاده می‌کردند.

خرید رای تنها در ایران نیست که عملی زشت، قبیح، غیرقانونی و غیرشرعی شمرده می‌شود، بلکه در سطح ملی در همه کشورها و فراتر از آن، در سطح بین‌المللی، این اقدام تقلب و دستکاری انتخاباتی تلقی می‌شود و در همه جا عملی غیرقانونی در فرآیند انتخابات پنداشته می‌شود؛ چنین حرکتی فاسدکردن فرآیند مردمسالاری به حساب می‌آید. حتی اگر چنین اقدامی بر نتیجه انتخابات بی‌تاثیر باشد، وقوع آن اثر آسیب‌زنده‌ای بر انتخابات دارد چرا که به اعتماد رای‌دهندگان آسیب می‌زند.

در سطح بین‌المللی همواره قول‌های انتخاباتی وفا شده و تحقق‌نیافته را تقبیح کرده‌اند، اما معمولا این عهدهای وفاننده عمدتاً به عرصه سیاست‌های اعمال‌نشده و خط‌مشی‌ها برمی‌گردد. مثلاً، اینکه جورج بوش در مبارزات انتخاباتی ۱۹۹۸ قول داد مالیات را بالا نبرد، اما مالیات را بالا برد یا اینکه حزب کارگر انگلستان در سال ۱۹۴۵ قول داد وزارت خانه جدید مسکن را دائر کند و نکرد را هم گاهی جزو تقلب‌های انتخاباتی به شمار آورده‌اند. یک مرحله به تقلب نزدیکتر، اقدامی چون اعلام سیلویا برلسکونی در سال ۱۹۹۴ بود که در آن سال در تبلیغات انتخاباتی خود قول داد برای جلوگیری از تضاد منافع، دارایی‌هایش در شرکتی خاص را بفروشد، اما به قولش عمل نکرد. اگر رشوه را به مثابه پرداخت پول یا چیزهای دیگر به افراد برای جبران تغییر رفتار آنان تلقی کنیم،

بدترین شکل آن را در حوزه خرید رای در انتخابات، آن هم انتخاباتی به اهمیت ریاست جمهوری، خواهیم یافت.

اما آنچه در ایران رخ داده است، تقریباً تجربه جهانی ندارد. همه جای دنیا این مردم اند که به دولت‌ها پرداخت می‌کنند، و نه اینکه دولتی بخواهد به همه مردم پول پرداخت کند؛ چرا که خود دولت‌ها چیزی برای پرداختن ندارند، و همین که منطقی مصرف کنند باید از آنها متشکر بود. البته، پرداخت یارانه به اقشار خاص و با هدف‌های خاص جهت توانمندسازی آنان و برای دوره محدود در چارچوب برنامه ملی تامین اجتماعی در همه کشورها رواج دارد. اما اینکه دولتی بگوید به همه مردم پول می‌دهم چیزی نادر است. منابع پولی دولت در ایران نفت، مالیات و یا از روی ناچاری چاپ پول (تورم) است. قبل از اینکه دولت چیزی به مردم بپردازد، نخست باید آن وجوه را از خود مردم گردآوری کند. بنابراین، پرداخت یارانه نقدی توسط دولت در هیچ کجا معمول نیست.

حالا اگر نامزد محترم ریاست جمهوری پرداخت پولی را به مردم قول دهد که قطعاً از توان بودجه کشور خارج باشد، و محاسبات آن را انجام نداده باشد، و حتی پرداخت آن وجوه نقد به مردم را منوط به مجوز مجلس شورای اسلامی نکرده باشد، ... آیا این کار مصداق پرداخت پول برای خرید رای تلقی نمی‌شود؟ در شرایطی که ما از نامزد فلان شورای شهر یا روستا ایراد جدی و به حق می‌گیریم که برای اخذ رای چلوکباب توزیع نکند، آیا چنین ایرادی را نمی‌توانیم از نامزدی بگیریم که در سطح ملی و برای اخذ آرای ریاست جمهوری تلاش می‌کند؟ بویژه اگر آن نامزد خود به پرداخت یارانه‌های نقدی معتقد نباشد، آیا قول پرداخت مبلغ بیشتری یارانه‌های نقدی توسط خود او، مصداق روشن خرید رای نیست؟ یعنی نامزد محترم اعتقادی به یارانه‌های نقدی ندارد،

و ما می‌دانیم که حتماً هم نخواهد توانست آنها را به مردم پرداخت کند، اما برای خرید آرای مردم به این اقدام دست می‌زند.

برای روشن شدن موضوع به متن نامه این کاندیدای محترم به ریاست محترم مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۱۱/۱۲ (نامه شماره ۴۱۲۹۷۷/۸۷۱۰) مراجعه می‌کنیم. در این نامه که در چارچوب طرح تحول اقتصادی مطرح شده، نامزد محترم انتخابات دوره دوازدهم ریاست جمهوری می‌نویسد: "... در شرایطی که در کشور ما نظام تامین اجتماعی با ویژگی "بنگاه‌داری" آن شناخته می‌شود و همچنین شبکه مالی و مالیاتی پیوسته و جامعیت‌یافته در کشور وجود ندارد، طبعا بانک اطلاعات درآمدی در کشور ایجاد نمی‌شود و هرگونه توزیع یارانه‌ای در فضای مبهم و غیرشفاف صورت پذیرفته و بدین لحاظ تنها توزیع رانت تلقی می‌شود و منجر به ترویج اخلاق دروغگویی و فقیرنمایی و ارائه گزارش‌های خلاف واقع، به منظور دریافت صدقه دولتی خواهد گردید. علاوه بر این، پرداخت و اختصاص یارانه‌ها به اقشار فقیر و کم‌درآمد تنها یک روی سکه است. روی دیگر سکه این است که در اثر اجرای این سیاست، افزایش قیمت برای سایر اقشار اتفاق می‌افتد. یعنی وقتی یارانه صرفاً به فقرا اختصاص داده شود، قیمت‌ها برای سایر اشخاص و اقشار، ناگزیر تغییر کرده، در این حالت برای کل جامعه افزایش قیمت بوجود خواهد آمد. پس باید بررسی شود که عوارض افزایش قیمت‌ها چیست؟ به عبارت دیگر، روی دیگر سکه هدم‌کردن یارانه‌ها برای اقشار آسیب‌پذیر، افزایش قیمت آن کالاها در سطح عمومی و به دنبال آن رشد

شاخص تورم در کشور است. " (به نقل از روزنامه دنیای اقتصاد شماره ۱۷۵۵، ۸۷/۱۲/۲۰).

بنابراین، کاملاً روشن است که نامزد محترم صددرصد مخالف لایحه پیشنهادی دولت وقت برای پرداخت یارانه‌ها بوده است. پس، باید پرسید ایشان برای چه می‌خواهند سه برابر آن مبلغ را پرداخت فرمایند؟ آیا در دولت آقای روحانی ظرف چهار سال همه آن زیرساخت‌ها مهیا شده است؟ نقطه نظرهای ایشان در مورد عملکرد دولت آقای روحانی حاکی از چنین امری نیست. آیا دیگر پرداخت نقدی یارانه تورم‌زا نیست؟ آیا باعث ترویج اخلاق دروغگویی، فقیرنمایی و ارائه گزارش‌های خلاف واقع نمی‌شود؟ چه چیز در شرایط محیطی اقتصاد تغییر کرده است که کاندیدای محترم می‌خواهند عمل تقبیح‌شده را در حجمی سه برابر بزرگتر انجام دهند و آن را شامل بیکاران نیز کرده‌اند و می‌خواهند ۲۵۰ هزار تومان هم به انبوه بیکاران پرداخت کنند؟ تنها چیزی که عوض شده صرفاً کاندیداتوری ایشان در انتخابات پیش رو است و این که فکر می‌کنند اعلام یارانه نقدی و ریال بیشتر رای می‌آورد. پس، ناچاریم نتیجه بگیریم موضوعی را که نه عملی است و نه کاندیدای محترم به اجرای آن اعتقادی دارند، ممکن است صرفاً به عنوان ابزار اخذ رای برگزیده باشند، و بنابراین باید چنین کاری را تخلف انتخاباتی عمده به حساب آوریم و امیدوار باشیم شورای محترم نگهبان حتماً از این زاویه به موضوع بنگرند.

متأسفم که بگویم طرح این نوع شعارهای انتخاباتی و به بازی گرفتن شعور رای‌دهندگان فقط در کشورهایی با ساختار قبیله‌ای و اربابی چون پاکستان رواج دارد، و فرض همه ما این است که جامعه ایران نمی‌خواهد در این مسیر پای گذارد یا در آن بماند. در بخش

اخبار وبسایت "قندهارا" که در ۲۱ فوریه ۲۰۱۵ به قلم ابوبکر صدیقی انتشار یافته، می‌خوانیم که سناتوری با سابقه شش دوره سناتوری در مجلس سنای پاکستان، با پرداخت ۹ میلیون دلار برای خرید رای می‌خواهد کرسی خود را حفظ کند. سناتورهای دیگر مناطق قبیله‌ای نیز از همین روش استفاده می‌کنند. در این خبر می‌خوانیم که یکی از احزاب اسلامی پاکستان علیه کسب‌وکار خرید و فروش رای هشدار می‌دهد. روزنامه انگلیسی زبان Dawn پاکستان گزارش می‌کند که یک سوداگر بزرگ زمین میلیون‌ها دلار صرف خرید سهم در انتخابات سنا می‌کند. حمید میر یکی از مجریان شناخته‌شده تلویزیون پاکستان گزارش می‌کند که بیش از سه میلیون دلار به سرکردگان قبایل مختلف برای خرید رای پیشنهاد شده است. گزارش‌های مشابهی در رسانه‌های افغانستان و هند از خرید رای در قبال پرداخت نقدی می‌شنویم. حال سؤال آن است که آیا جامعه ایران می‌خواهد همین مسیر را برود؟ آیا اعلام پرداخت یارانه نقدی به اقشار مختلف که خارج از توان اقتصاد ایران است و صرفاً برای اخذ رای صورت می‌گیرد، مصداق جدی تخلفات انتخاباتی نیست؟

اگر نمایندگان شورای محترم نگهبان با آن کاندیدای شورای شهر و روستا که چلوکباب پخش می‌کند، برخورد می‌کند، آیا جای آن نیست که با چنین تخلفات عمده انتخاباتی نیز برخورد شود؟ امید می‌رود جامعه ایرانی در روزهای باقیمانده از انتخابات بتواند در مورد ماهیت این نوع شعارها به آگاهی کامل برسد و در مسیری حرکت کند که این نوع شعاردهندگان در آینده به مسیر رقابتی سالم در انتخابات هدایت شوند.